

هوش مصنوعی مهارت می‌خواهد و بازار کار را دگرگون می‌کند

هوش مصنوعی تهدید شغل یا فرصت مهارت؟

ورود هوش مصنوعی به اقتصاد دستمزدها را دستخوش تغییر می‌کند و با جانشینی نیروی کار غیر ماهر، فرصت‌های تازه برای حرفه‌ای‌های مهارت‌دیده فراهم می‌سازد، اما چه کسی برنده و چه کسی بازنده این بازی بزرگ خواهد بود؟

در دنیایی که ماشین‌ها فکر می‌کنند انسان باید دوباره یاد بگیرد چطور کسب درآمد کند، این جمله کوتاه‌شاید بهترین توصیف برای چالشی باشد که امروز سر راه اقتصادها، شرکت‌ها و تک‌تک کارگران ایستاده‌است. هوش مصنوعی، همان میهمان تازه‌واردی که سال‌ها وعده‌اش داده می‌شد، حالا آرام آرام دارد جای خود را در دفترها، کارخانه‌ها و حتی خانه‌هاز می‌کند؛ بی‌سروصدا اما سرسخت. همین حضور خاموش، بحث‌های داغی را درباره آینده شغل‌ها و نابرابری در آمدی به راه انداخته‌است. آیا باید ترسیم یا آماده شویم؟ سهم‌ما از این تحول چیست؟

■ ■ ■

در آستانه سومین دهه قرن بیست‌ویکم، جهان بار دیگر درگیر پرسشی قدیمی با لباس تازه شده‌است: «وقتی ماشین‌ها بیایند، ما چه می‌کنیم؟» این بار نه چرخ‌های بخار انقلاب صنعتی، نه ربات‌های جوشکار خط تولید، بلکه نرم‌افزارهایی در هیبت مغز دوم انسان پا به میدان گشایشه‌اند. هوش مصنوعی آمده‌است تا کارهای تکراری را سریع‌تر انجام دهد، تصمیم‌ها را دقیق‌تر بگیرد و حتی برای برخی فکر کند.

■ **اولین ضربه: دفترها و پشت‌میزها**

برخلاف تصور خیلی‌ها هوش مصنوعی پیش از آن که کارگران کارخانه‌ها را بیکار کند، سرآخ کارکنان دفتری و مشاغل خدماتی می‌رود؛ همان‌هایی که تادیروز همگان می‌کردند کارشان «غیرقابل جایگزین» است. مدیریک شرکت بزرگ خودروسازی وقتی می‌گوید «یمنی از کارمندان دفتری جای خود را به AI می‌دهند»، تصویری ترسناک می‌سازد، اما اقتصاددانان می‌گویند داستان به این سادگی هم نیست. دستمزدها به‌طور طبیعی خود را با تغییرات وفق می‌دهند. وقتی بخشی از وظایف اداری ساده خودکار شود، تقاضا برای نیروی کار انسانی که بتواند با این ابزارها کار کند، بالا می‌رود. آن که مهارت یادی می‌گیرد، جای خود را محکم‌تر می‌کند و حتی درآمد بیشتری به دست می‌آورد، اما آن که پای یادگیری نمی‌ایستد، شاید شغلش رایه ریات‌ها بیازد.

■ **شکاف مهارت، شکاف در آمد**

اقتصاددان‌ها سال‌هاست درباره شکاف در آمدی هشدار می‌دهند. هوش مصنوعی این شکاف را دوباره می‌گشاید اما این بار نه فقط بین ثروتمند و فقیر، بلکه میان ماهر و غیر ماهر. هر کس بلد باشد چطور از این فناوری استفاده کند، سهم بیشتری از یک اقتصاد خواهد داشت. در ایران ما جمعیت زیادی از نیروی کار در مشاغل خدماتی، دفتری و اداری مشغولند. بخشی از این شغل‌ها آماده جایگزینی‌اند؛ نامه‌نگاری‌های تکراری، گزارش‌نویسی‌های کلیشه‌ای، ثبت اسناد ساده یا حتی پاسخگویی‌های روتین. هوش مصنوعی این کارها را دقیق‌تر، سریع‌تر و ارزان‌تر انجام می‌دهد. اما وقتی پای تحلیل پیچیده یا تصمیم‌های چندبخشی وسط باشد، باز هم انسان ماهر است که تصمیم نهایی را می‌گیرد.



■ **سرنوشت شغل‌های سنتی**

برای نیروی کار کم‌مهارت، جای نگرانی است. بخش‌هایی از بازار کار که پیش‌تر امن به‌نظر می‌رسید، حالا به‌احتمال قابل جانشینی است. این یعنی اگر کسی مهارت تازه یاد نگیرد، شاید مجبور شود با درآمد پایین‌تر شغلی در سطح پایین‌تر قبول کند. از آن سو، هوش مصنوعی می‌تواند بخشی از وظایف سنگین شناختی را آسان و امکان ورود افراد بیشتری به برخی مشاغل تحلیلی فراهم کند. این همان دوگانگی عجیبی است که نابرابری در کل ممکن است بیشتر شود، ولی در درون گروه‌های تحصیلکرده، شکاف مهارتی کمی کاهش یابد.

■ **بهره‌وری بالا، نابرابری بیشتر؟**

یک سؤال قدیمی در اقتصاد همیشه مطرح بوده است اگر بهره‌وری بالا برود، همه سود می‌برند یا فقط بخشی از جامعه؟ تجربه دهه‌های اخیر نشان داده‌است رشد تکنولوژی لزوماً به توزیع عادلانه ثروت نمی‌انجامد. شرکت‌های بزرگ و سرمایه‌داران اصلی، بیشترین بهره را از فناوری می‌برند، چون سرمایه فکری و مالی لازم را دارند. نیروی کار اگر مهارت نداشته باشد، سهمی از این سود نمی‌برد. در کشورمان هم اگر سیاستگذاری نشود، ممکن است همین سناریو تکرار شود؛ بخش کوچکی از متخصصان و شرکت‌های بزرگ دیجیتال سهم اصلی رشد را ببرند و بسیاری از کارمندان و کارکنان سنتی جا بمانند.

■ **چه باید کرد؟**

سؤال بزرگ همین‌جاست: حالا چه کنیم که این تحول به بحران نابرابری بدل نشود؟ نسخه پیشنهادی اقتصاددان‌ها روشن است؛ سرمایه‌گذاری روی مهارت نیروی انسانی. یعنی آموزش مداوم، بازآموزی و تقویت توانایی‌های مکمل هوش مصنوعی. کشورهای پیشرفته برنامه‌های گسترده‌ای برای آموزش کارکنان در حال اجرا دارند. در ایران ما هم اگر مدارس و دانشگاه‌ها آموزش مهارت‌های نرم، آشنایی با فناوری و خلاقیت را جدی بگیرند، آینده بازار کار می‌تواند تلخ باشد.

■ **مالیات بر ربات، یک راه‌حل پیشنهادی**

برخی کشورها ایده «مالیات بر خودکارسازی» را مطرح کرده‌اند، یعنی شرکت‌هایی که با هوش مصنوعی جای کار گر را می‌گیرند، بخشی از سودشان را مالیات می‌دهند تا صرف بیمه بیکاری یا آموزش مجدد نیروی کار شود. این ایده مخالفان زیادی دارد، اما بحث اصلی این است که باید توازنی میان پیشرفت تکنولوژی و تاب‌آوری اجتماعی برقرار شود.

■ **فرصت در دل تهدید**

با همه این نگرانی‌ها، هوش مصنوعی فقط تهدید نیست. اگر هوشمندانه عمل شود، می‌تواند به بازوی توانمند نیروی کار تبدیل شود. بسیاری از کارآفرینان کوچک امروز به‌تلهایی یا بات‌های کوچک با کمک ابزارهای AI کارهایی انجام می‌دهند که پیش‌تر نیازمند سرمایه و نیروی انسانی گسترده بود. تولید محتوا، طراحی، مشاوره، خدمات آنلاین و حتی بعضی خدمات پزشکی حالا با کمک ابزارهای ازان‌تر و قابل دسترس‌تر انجام می‌شوند.

■ **آینده‌ای که ما می‌سازیم**

در نهایت، مسیر روشن است: هر جامع‌ای که مهارت‌آموزی و آموزش همگانی را جدی بگیرد، می‌تواند از موج فناوری فرصت بسازد، نه تهدید. هر کارمند دفتری که امروز کار با AI را یاد می‌گیرد، به‌جای حذف، جایگاه شغلی‌اش را بیمه می‌کند.

این قصه نه ترسناک است، نه رؤیایی. آینده همیشه ساخته می‌شود اما با دست‌های کسانی که آماده‌اند یاد بگیرند و تغییر کنند.

گفت‌وگوی «جوان» با مهدی هاشم‌زاده مدیر گروه انرژی اندیشکده ماهد و عمر علی‌پور نماینده مجلس

تأمین امنیت انرژی با تخصیص یارانه بنزین به کد ملی در شرایط جنگی



گزارش یک

حسام ملکی

اختصاص یارانه بنزین به کد ملی برای مصارف شخصی و تخصیص سهمیه CNG و LPG به تمامی خودروهای صنعت حمل‌ونقل موجب کاهش شدید مصرف بنزین در شرایط جنگی و تحقق اقتصاد بهینه‌سازی در کنار پداقند غیرعامل در حوزه تأمین امنیت انرژی و کنترل اختیاری مصرف انرژی خواهد شد.

■ ■ ■

اختصاص سهمیه بنزین به نفر راهکاری برای سامان دادن به امور مربوط به سوخت در کشور است. حالا که در شرایط خاصی قرار داریم و یک جنگ ۱۲ روزه را پشت سر گذاشته‌ایم، ضرورت اجرای این روش بیش از پیش مطرح شده‌است. به زعم کارشناسان اختصاص سهمیه بنزین به نفر به لحاظ افزایش تاب آوری اجتماعی در شرایط خاص بر ایمنان مزیت دارد. همچنین این روش به افزایش مدیریت مصرف می‌انجامد و عدالت اجتماعی را در توزیع یارانه انرژی بیشتر می‌کند.

مهدی هاشم‌زاده، مدیر گروه انرژی اندیشکده ماهد، عمر علی‌پور، نماینده ماکو در مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با «جوان» از لزوم اجرای طرح اختصاص سهمیه بنزین به نفر به منظور تقویت پداقند غیرعامل در حوزه انرژی گفتند.

■ **بهترین مسیر کنترل اختیاری مصرف بنزین**

مهدی هاشم‌زاده، کارشناس انرژی در رابطه با اهمیت توجه به امنیت انرژی کشور در شرایط

جنگی و مبتنی بر اجرای طرح تخصیص یارانه بنزین به کد ملی گفت: «اختصاص سهمیه بنزین به نفر راهکاری به شمار می‌رود که در راستای مدیریت مصرف انرژی در کشور مطرح شده‌است. اجرای این طرح به ویژه در شرایط خاص فعلی اهمیت بالایی دارد. سهمیه‌بندی به‌صورت نفر-محور یک اصلاح ساختاری و در جهت تحقق حکمرانی عادلانه انرژی است که از نظر فنی و اقتصادی، منطبق بر اصول عدالت توزیعی و رفاه اجتماعی است.»

وی در ادامه با اشاره به اهمیت تخصیص یارانه بنزین به کد ملی در سطح امنیتی، اقتصادی و بهینه‌سازی انرژی گفت: «طرح اختصاص سهمیه بنزین به نفر اقدامی است که هم‌زمان در سه سطح قابل ارزیابی است. در سطح امنیتی این اقدام به معنای تقویت پداقند غیرعامل در برابر تهدیدات مدرن انرژی است. در سطح اقتصادی این اقدام به کاهش نابرابری و مدیریت بهتر یارانه پنهان منجر می‌شود. در سطح اجتماعی این اقدام افزایش اعتماد عمومی، شفافیت و کارایی نظام توزیع را به دنبال دارد. این رویکرد در صورت طراحی دقیق، اطلاع‌رسانی شفاف و پشتیبانی زیرساخت‌های دیجیتال می‌تواند به الگویی پیشرو در حکمرانی انرژی ایران تبدیل شود و جایگاه کشور را در تاب‌آوری ملی انرژی ارتقا دهد.»

هاشم‌زاده با اشاره به رویکرد مهم پداقند غیرعامل بنزین به نفر در شرایط جنگی فعلی افزود: «سطح اهمیت تخصیص یارانه بنزین به کد ملی بسیار بالاست و در رویکرد پداقند غیرعامل و تأمین امنیت انرژی کشور بسیار مهم و ضروری است. در این رویکرد مصرف صنعت حمل‌ونقل از مصرف شخصی هر فرد مجزا و تمام نیاز صنعت حمل‌ونقل



مهدی هاشم‌زاده، مدیر گروه انرژی اندیشکده ماهد: اختصاص یارانه بنزین به کد ملی برای مصارف شخصی و تخصیص سهمیه CNG و LPG به تمامی خودروهای صنعت حمل‌ونقل موجب کاهش شدیدی مصرف بنزین می‌شود

■ **گام مهم تحقق پداقند غیرعامل در حوزه بنزین**

عمر علی‌پور، نماینده مجلس نیز با اشاره به این موضوع که در شرایط خاص نیازمند روش‌های ویژه برای تأمین سوخت مورد نیاز شهروندان هستیم و باید برنامه‌ریزی‌های درستی داشته باشیم، تصریح کرد: «زمانی که کشور درگیر جنگ بود و شرایط خاصی داشتیم، برنامه خوبی در زمینه تأمین بنزین مورد نیاز شهروندان به اجرا گذاشته شد. به نحوی که کارت‌های سوخت جمع‌آوری شد و افراد می‌توانستند فقط با کارت خودرو از بنزین استفاده کنند و به میزان ۲۵ لیتر بنزین برزند. البته این میزان کفاف نیاز افراد را نمی‌داد و بهتر است حداقل ۳۰ لیتر بنزین را در نظر بگیریم.»

وی ادامه داد: «بسنده کاملاً با روش اختصاص سهمیه بنزین به نفر موافق هستم و بارها در خصوص مزیت‌های آن صحبت کرده‌ام. به ویژه این روش به افزایش عدالت در توزیع یارانه انرژی منجر می‌شود.»

این نماینده مجلس خاطر نشان کرد: «در حال حاضر، افرادی که وضعیت مالی خوبی دارند و از چندین خودرو استفاده می‌کنند یا خودروهایشان مصارف بالایی دارد، از یارانه انرژی و سوخت بیشتری بهره می‌برند، اما کسانی که خودرو ندارند هیچ بهره‌ای از یارانه سوخت نمی‌برند.»

علی‌پور گفت: «اختصاص سهمیه بنزین به نفر راهکاری برای افزایش عدالت در توزیع یارانه سوخت است و به تقویت پداقند غیرعامل در حوزه انرژی منجر می‌شود.»

وی ادامه داد: «در شرایط خاص نیاز به سیاستگذاری‌های ویژه‌ای داریم. اجرای اختصاص سهمیه بنزین به نفر می‌تواند به دولت در مدیریت

خواهد داد و بدون هیچ تغییر قیمتی یا تغییر وضعیت شاهد تداوم فعالیت صنعت حمل‌ونقل خواهیم بود.»

وی در ادامه افزود: «حال به مصرف شخصی افراد خواهیم رسید وقتی بنزین صرفاً منوط به مصرف شخصی افراد شود دیگر هیچ معنایی ندارد مصرف بنزین از نسوی دارندگان خودرو سهمیه داشته و قیمت‌گذاری دستوری باشد و به جای آن هر

فرد ایرانی معادل ۳۰ لیتر بنزین یارانه‌ای در ماه دارد که در صورت مصرف هیچ هزینه اضافی برای بنزین جهت مصرف این ۳۰ لیتر بنزین ۵۰ میلیون ایرانی برای مصرف شخصی یا بهینه‌سازی مصرف دارد ولی در صورت مصرف مازاد این سهمیه شخصی باید از دیگر مردم به قیمت آزاد خریداری کند. به این ترتیب اولاً سهمیه مصرف به جای خودرو به نفر تعلق خواهد گرفت و ثانیاً از عدم مصرف سهمیه بنزین توسط فرد، مستقیماً منفعت اقتصادی حاصل می‌شود و بهینه‌سازی در مصرف بنزین اتفاق خواهد افتاد. زیرساخت اجرایی طرح تخصیص یارانه بنزین به کد ملی نیز در بودجه سال جاری ایجاد و عملیات اولیه آن به صورت موفق اجرا شد.»

این کارشناس انرژی در پایان گفت: «اختصاص یارانه بنزین به کد ملی برای مصارف شخصی و تخصیص سهمیه CNG و LPG به تمامی خودروهای صنعت حمل‌ونقل موجب کاهش شدید مصرف بنزین در شرایط جنگی و تحقق اقتصاد بهینه‌سازی در کنار پداقند غیرعامل در حوزه تأمین امنیت انرژی و کنترل اختیاری مصرف انرژی خواهد شد که مستقیماً هم رفاه خانواده‌های ایرانی را افزایش خواهد داد و هم مسیر متنوع ساختن سبد سوخت کشور را فراهم خواهد کرد.»

سکوت شورای رقابت عامل گرانی خودرو شد

ایران خودرو با بی‌توجهی به مصوبه معاون اول رئیس‌جمهور، قیمت‌ها را مطابق تأییدیه قدیمی شورای رقابت و بر خلاف تصمیم ستاد تنظیم بازار افزایش داد

کشک است؟ یا اینکه نظارت فقط برای مصرف‌کننده است نه برای تولیدکننده؟

■ **ایران خودرو، قدرت بنگاه یا شجاعت در تمرّد؟**

برخی در فضای کارشناسی می‌گویند ایران خودرو از خلأ نهادی شورای رقابت نهایت بهره را برده است. یعنی با علم به اینکه شورا نمی‌خواهد روی مواضع خود بایستد و ترجیح می‌دهد توپ را به زمین دولت بیندازد، قیمت را همان‌طور که به نفعش است، ثبت کرده است. شاید همین سکوت بودیم، درواقع از بخشی از فرایند دفاع می‌کند و بخش اصلی- تصویب ستاد تنظیم بازار- را نادیده می‌گیرد. همین سکوت پرهزینه‌است چون پیام می‌دهد که اگر بخشی از مسیر را با شورا ببندید، می‌توانید بخش نهایی را دور بزنید. این دقیقاً همان شکافی است که خودروسازان همیشه از آن



شورای رقابت اگر می‌خواهد اعتبارش حفظ شود، باید مدافع اجرای کامل فرایند باشد، نه آنکه بخشی را تأیید و بخش اصلی را واگذار کند

بودیم، درواقع از بخشی از فرایند دفاع می‌کند و بخش اصلی- تصویب ستاد تنظیم بازار- را نادیده می‌گیرد. همین سکوت پرهزینه‌است چون پیام می‌دهد که اگر بخشی از مسیر را با شورا ببندید، می‌توانید بخش نهایی را دور بزنید. این دقیقاً همان شکافی است که خودروسازان همیشه از آن

عبور کرده‌اند.

■ **وقتی تنظیم بازار در نقش ترمز ظاهر شد**

در شرایطی که دولت به‌دنبال کنترل تورم، مدیریت انتظارات روانی و جلوگیری از موج‌سواری دل‌هاست، ستاد تنظیم بازار با جسارت عدد پیشنهادی را کاهش داد. تصمیمی که اگر درست اجرا شود، دست‌کم بخشی از فشار را از دوش خانواده‌ها برمی‌دارد. اما وقتی یک بازیگر بزرگ مثل ایران خودرو بدون رعایت این تصمیم قیمت را به بورس می‌برد، چه بهیامی به مردم داده می‌شود؟ اینکه تصمیم ستاد تنظیم بازار



■ **جایی که ناظر باید حافظ مردم باشد**

طبق فرایند، شورای رقابت فقط یکی از ایستگاه‌هاست نه مقصد آخر. اگر این شورا سقف را تأیید کند، باز هم این تصمیم باید در ستاد تنظیم

بازار به ریاست معاون اول رئیس‌جمهور به تصویب برسد. این‌بار ستاد تنظیم بازار برخلاف انتظار برخی نقشی را به‌درستی ایفا کرد و دستور داد عدد ۲۵ درصد زیاد است و باید پلکانی شود؛ ۵ درصد امسال، ۱۵ درصد بعد از اصلاح کیفیت. تا اینجا همه‌چیز قانونی بود اما ماجرا وقتی عجیب شد که شورای